فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۱، تابستان ۱۴۰۱، صفحات۴۲-۹

مقاله پژوهشی

تحلیل تطبیقی شاخص‌های عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر

(نمونهٔ مطالعاتی: محلهٔ پامنار تهران)

سینا جلیل پوراقدم[۱]؛ احمد میرزا کوچک خوش نویس[۲]؛ مهدی خاکزند[۳]؛ مصطفی مسعودی نژاد[۴]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۳۱

چکیده

عدالت یکی از مسائل مهم برای همهٔ انسان‌ها محسوب می‌شود. توجه به مفهوم عدالت در بناهای مسکونی از این جهت حائز اهمیت است که مقولهٔ مسکن با نیاز اجتماعی جامعه به عدالت پیوند دارد. اما اینکه نمود عینی تجلی عدالت در مسکن و مؤلفه‌های کالبدی آن چگونه است نیاز به پژوهش دارد. هدف این پژوهش، ارزیابی تطابق بناهای سنتی و معاصر محلهٔ پامنار تهران با مفهوم عدالت می‌باشد. روش پژوهش از نوع کمی و با توجه به هدف آن از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت روش توصیفی- موردی، به‌صورت تحلیلی می‌باشد. نتایج بیانگر آن است که مسکن و مؤلفه‌های کالبدی آن در شکل‌دهی به ارزش‌ها، مفاهیم و احساس افراد از عدالت اجتماعی تأثیر گذار است. تمایز و تشابه توجه به مفهوم عدالت در بناهای سنتی و معاصر محلهٔ پامنار را می‌توان در شاخص‌های کالبدی و اجتماعی مرتبط با مسکن و مؤثر بر ادراک افراد از عدالت اجتماعی و نحوهٔ تجلی آن‌ها در بناهای مسکونی بیان کرد که از نظر شهروندان، بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار نسبت به بناهای معاصر واقع در آن، تطابق بیشتری با مفهوم عدالت دارند. در واقع عدالت

[۱] دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
Jalilpour_sina@yahoo.com

[۲] استادیار گروه معماری، استاد مدعو، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، استادیار گروه ابنیه و بافت، پژوهشگاه میراث فرهنگی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسؤول). a.m.khoshnevis@gmail.com

[۳] دانشیار معماری، گروه معماری (منظر)، دانشکدهٔ معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. mkhakzand@iust.ac.ir

[۴] استادیار گروه معماری، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.
mostafa_masoudinejad@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

در بناهای مسکونی سنتی پامنار به مصداق وحدت در کثرت تجلی پیدا کرده است. ولکن این وحدت نه بین بناهای مسکونی معاصر ساخته شده و نه بین بناهای معاصر و سنتی قدیمی واقع در محلهٔ پامنار وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: عدالت؛ مسکن سنتی؛ معاصر؛ محلهٔ پامنار.

مقدمه

عدالت از مفاهیم بنیادی زندگی اجتماعی انسان است (نوایی لواسانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۲). کلمه عدل به معنای «نهادن هر چیز در جای خودش است». ولی عدالت به معنای دادگری و انصاف داشتن و عدالت اجتماعی به مفهوم عدالتی است که همهٔ افراد جامعه از آن برخوردار باشند (ستاوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۵). رویاروی قرار دادن مسألهٔ آرمانی عدالت اجتماعی با پدیدهٔ معماری که از یک وجه مکان طبیعی انسان متمدن است، نیاز به برخوردی همه‌جانبه با پدیدهٔ معماری را ایجاب می‌کند (هاروی، ۱۳۹۵: ۱۱). انسان‌ها بیش از نیمی از عمر خود را در فضاهای مسکونی سپری می‌کنند (کیوانی و کسمائی، ۱۴۰۰: ٦٥) و بخش عمده‌ای از سطح شهرها نیز به کاربری مسکونی اختصاص یافته که علاوه بر تعداد و وسعت زیاد، از عمده‌ترین عناصر شهری دارای معنا می‌باشند و در ادراک مردم تأثیرگذارند. توجه به مفهوم عدالت در مسکن، معنا و مفهومی فراتر از ابعاد کالبدی و سر پناهی با حدود مادی را در بر می‌گیرد. اما اینکه نمود عینی تجلی عدالت در مسکن و مؤلفه‌های کالبدی آن چگونه است، نیاز به پژوهش دارد.

در ایران شیوع سبک ساخت و ساز بی‌هویت فعلی و تلاش برای کسب سود بیشتر، سبب شده است که کلیهٔ ساخت و سازها در تمامی نقاط کشور به سمت یکسان شدن پیش رفته و به علت نادیده انگاشتن کاربران و یا عدم شناخت کافی نسبت به نیازهای آنان، منجر به بروز مشکلاتی چون کاهش رضایت‌مندی، از بین رفتن هویت فرهنگی و مکانی، عدم احساس تعلق به محیط زندگی و دگرگونی در رفتارهای اجتماعی ساکنان و شکل‌گیری احساس عدم عدالت در جامعه شده است. در واقع بی‌توجهی به مفهوم عدالت در مسکن می‌تواند ذهنیت شهروندان نسبت به این مفهوم را تحت تاثیر قرار داده و تاثیرات مخربی را در نبود معادلی برای آن به بار آورد، که نه تنها باعث از بین رفتن مفهوم عدالت در جامعه بلکه موجب برداشت نادرستی از آن می‌شود. توجه به این مسأله در گذشتهٔ تاریخی این مرز و بوم و در معماری و شهرسازی آن مورد توجه بوده است؛ مسکن سنتی همیشه به‌صورت مستقیم و غیر مستقیم، بیانگر و جلوه‌گاه ارزش‌های معنوی، فرهنگی حاکم بر جامعه و منطبق بر مفهوم عدالت بوده است.

متأسفانه در عصر حاضر، توجه به مفهوم عدالت در مسکن معاصر و مؤلفه‌های مؤثر در ایجاد آن، تقلیل یافته و قربانی عوامل اقتصادی و مانند آن شده است که در نتیجهٔ آن بناهای مسکونی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

بیگانه با مفهوم عدالت شکل گرفته و ساخته شده است. این پژوهش بر آن است تا به تجلی و مصادیق عدالت در مسکن سنتی و معاصر ایران بپردازد و تطابق آن‌ها با این مفهوم را در بناهای مسکونی محلهٔ پامنار شهر تهران مورد تحلیل قرار دهد. از آنجایی که محلهٔ پامنار یکی از اولین محله‌های شهر تهران بوده است و تاریخی مساوی با تاریخ شهر تهران دارد و در آنجا، بناهای مسکونی سنتی، از دورهٔ تاریخی "صفویه و قاجار" تا دورهٔ معاصر "پهلوی اول تا جمهوری اسلامی" در یک بافت فشرده شهری در کنار یکدیگر قرار دارند و اشکال مختلف سکونت را شکل داده‌اند، به‌عنوان نمونهٔ موردی پژوهش در نظر گرفته شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که، مصادیق منطبق بر مفهوم عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر کدامند؟ تمایزها و اشتراکات توجه به مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر، چگونه می‌باشد؟

پیشینهٔ پژوهش

مطالعاتی در ایران و همچنین در سایر کشورها به بررسی مفهوم عدالت در معماری، مسکن و تأثیرات آن پرداخته‌اند و بخش‌هایی از جنبه‌های این تأثیرگذاری را مورد تحلیل قرار داده‌اند، البته از آنجایی که مفهوم عدالت در هر فرهنگ و جامعه‌ای متناسب با ایدئولوژی، جهان بینی، اعتقادات، مناسبات اجتماعی حاکم بر فرهنگ جامعه و امثال آن تعریف می‌گردد، بنابراین، تأکید اصلی این پژوهش بر مطالعات انجام شده در کشور ایران می‌باشد، که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. عزیزی و مرادی (۱٤۰۰)، در پژوهشی با عنوان «عدالت فضایی در مسکن شهری، مورد مطالعاتی: شهر اسلامشهر»، به ارزیابی عدالت فضایی در قلمرو مسکن در شهر اسلامشهر و ارائهٔ راهبردهایی برای ارتقای آن پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که اکثریت شاخص‌های عدالت فضایی مسکن در مناطق اسلامشهر پایین‌تر از سطح متوسط قرار دارند. جناب و همکاران(۱٤۰۱)، در پژوهشی با عنوان «تبیین شاخص‌های سنجش عدالت اجتماعی در معماری مسکن» به تبیین و پالایش شاخص‌های سنجش عدالت اجتماعی در معماری بناهای مسکونی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دسترسی واحدها به نور، تهویه و منظر مناسب، پیش‌بینی فضاهایی برای معلولین، توجه به سلسله مراتب فضایی، انعطاف‌پذیری و مشارکت ساکنین در روند توسعهٔ مجموعهٔ مسکونی و تنوع فضاهای مشاع، امنیت فضا و متراژ متنوع واحدها مهم‌ترین عوامل ارتقا عدالت اجتماعی در معماری مسکونی ایران می‌باشند. روستایی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «سنجش عدالت فضایی شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در حوزه‌های شهری، مطالعهٔ موردی: شهر ارومیه»، به بررسی، شناخت و تبیین نابرابری‌های فضایی و ارائهٔ راهکارهای توسعه جهت دست‌یابی به تعادل و توازن بین حوزه‌های کلان شهر ارومیه در حوزهٔ مسکن پرداخته‌اند، نتایج

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

حاصل نشانگر وجود فاصلهٔ طبقاتی و دوگانگی در فضای شهری و تفاوت در برخورداری از شاخص‌های کمی، کیفی و اجتماعی مسکن است و نشان‌دهندهٔ توزیع نابرابر و نامناسب شاخص‌های مسکن در میان شهروندان شهر ارومیه در مناطق مختلف است. سعیدی فر و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «تبیین مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای (مطالعهٔ موردی کلان‌شهر مشهد)»، به تبیین مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در هسته‌های فقر شهری کلان‌شهر مشهد پرداخته‌اند. نتایج بیان‌کنندهٔ این موضوع است که تنوع کالبدی مهم‌ترین عامل اثر گذار در تحقق عدالت فضایی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای است. بمانیان و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایهٔ عدل در طراحی مسکن (نمونهٔ موردی: سه مورد از خانه‌های ایرانی-اسلامی)»، به بررسی معماری بناهای مسکونی سنتی ایرانی-اسلامی با رجوع به قرآن و احادیث، تجلّی اصل «لاضرر و لاضرار » به‌عنوان مهم‌ترین اصل حقوق شهروندی، بر پایهٔ عدل در معماری پرداخته‌اند. نتایج حاصل بیان‌کنندهٔ این موضوع است که این اصل به‌عنوان مهم‌ترین اصل مرتبط با حقوق شهروندی، در تمامی ابعاد معماری خانه های ایرانی-اسلامی تأثیر گذاشته است. نقی‌زاده (۱۳۸۵)، در کتاب «شهرسازی و معماری اسلامی»، به مفهوم عدالت و تعادل در قالب هماهنگی کالبد و ارزش‌ها با هماهنگی فضاهای شهر و نیازهای انسان، هماهنگی کالبد شهر و طبیعت، هماهنگی اجزاء شهر با یکدیگر و با کل شهر پرداخته است.

مطالعات نشان می‌دهد در تحقیقات انجام شده به بررسی مفهوم عدالت در مسکن از دیدگاه عدالت فضایی و توزیع آن در مناطق مختلف شهری، بررسی شاخص‌های مؤثر در ایجاد تعادل در مسکن با تأکید بر مفهوم عدل براساس آیات و روایات اسلامی، مصادیق عدالت در مسکن، فضاهای شهری و درک افراد از عدالت به واسطه‌ی مسکن پرداخته شده است، اما به نحوهٔ تجلی مفهوم عدالت در مولفه‌های کالبدی بناهای مسکونی در گذر زمان پرداخته نشده است. بدین منظور این پژوهش در تلاش است تا شاخص‌های کالبدی و اجتماعی منطبق بر مفهوم عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر محلهٔ پامنار را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد.

ضرورت پژوهش و مدل مفهومی آن

امروزه تحقیقات گسترده‌ای در ارتباط با مسکن در موضوعاتی چون سلامتی، پایداری، توانمندسازی و غیره انجام شده است و همگی این پژوهش‌ها حاکی از ارتباط مستقیم مسکن بر تمامی ابعاد زندگی انسان و جامعه است (لطیفی و همکاران، : ۵۸). در صورت عدم توجه کافی به

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

عدالت در مقولهٔ مسکن، می‌توان انتظار افزایش شکاف طبقاتی، جدایی‌گزینی اقشار مختلف جامعه، افزایش بزهکاری، نزول کیفیت سکونت شهروندان، کاهش همبستگی اجتماعی و توسعهٔ نامتوازن شهر را داشت. که به‌وجود آمدن چنین شرایطی مسلما شرایط مطلوبی برای هیچ‌یک از اقشار و شهروندان به همراه نخواهد داشت. بنابراین، توجه به مفهوم عدالت در سکونت و مسکن افراد در تمام ابعاد آن و دسترسی عادلانه همهٔ شهروندان به مسکن با کیفیت، از نیازهای و ضرورت‌های هر جامعه می‌باشد، در واقع مسکن به‌عنوان یکی از ارکان مهم «سیاست رفاه اجتماعی» و «مسکن مناسب» پیش‌نیازی برای دستیابی به «عدالت اجتماعی» به شمار می‌رود (قالیباف، ۱۳۹۰: ٤٨). ولی از آنجایی که بازتاب عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی مرتبط با مسکن، عمدتا در مؤلفه‌های کالبدی مسکن منعکس شده و تجلی پیدا می‌کنند، لذا ضرورت توجه به مؤلفه‌های کالبدی مسکن و تناسب آن‌ها با مفاهیمی همچون عدالت اجتماعی مهم و ضروری می‌باشد. در قالب موضوعات مورد بحث در مبانی نظری، مدل مفهومی پژوهش در نمودار ۱ ارائه شده است.

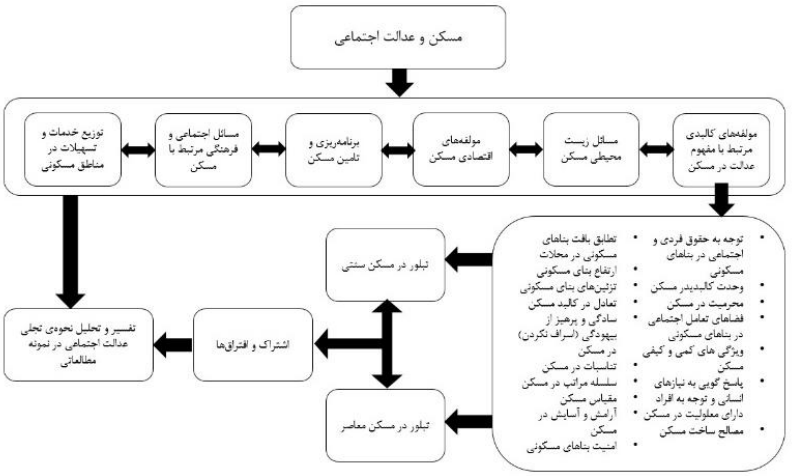

نمودار شمارهٔ یک- ساختار پژوهش (ماخذ: نگارندگان)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کمی و با توجه به هدف آن از نوع کاربردی و بر مبنای ماهیت روش توصیفی- موردی، به‌صورت تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، مشاهدهٔ میدانی و ابزار پرسشنامه می‌باشد. جهت انجام پژوهش در گام اول با تکنیک تحلیل محتوا،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

به بررسی مفهوم عدالت در مسکن، در پژوهش‌های انجام شده با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی پرداخته شد و شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن استخراج گردید. در گام دوم مؤلفه‌های استخراج شده، به‌صورت دلفی توسط ۲۰ نفر از متخصصین دانشگاهی و پژوهشی در حوزهٔ معماری، طراحی شهری، علوم اجتماعی و عمران، به‌صورت مصاحبه و در چند مرحله مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. معیارهای انتخاب متخصصین شامل تسلط نظری، تجربهٔ عملی، تمایل و توانایی مشارکت در پژوهش و امکان دسترسی به آنان بوده است و در تعیین تعداد متخصصین، کسب اطمینان از جامعیت دیدگاه‌ها، ملاک عمل قرار گرفته است که در قالب ۸ نفر از اساتید معماری، ۳ نفر از دانشجویان دکتری معماری، ۳ نفر از اساتید طراحی شهری، ۳ نفر از اساتید علوم اجتماعی و ۳ نفر از اساتید رشته عمران می‌باشد. مطابق پژوهش‌های انجام شده و طبق نظر متخصصین، از بین ٥٦ مؤلفهٔ مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن، برخی مؤلفه‌ها حذف و برخی به خاطر قرابت معنایی و عملکردی با یکدیگر تجمیع شد و در نهایت تعداد ۱۹ مؤلفه با توجه به اهمیت و نقش آن‌ها در انعکاس مفهوم عدالت در مسکن، انتخاب گردید. در گام سوم با استفاده از پرسشنامه، نظرات شهروندان در خصوص شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در بناهای مسکونی، نمونهٔ مطالعاتی، مورد پرسش و سنجش قرار گرفت و مهم‌ترین شاخص‌ها از نظر شهروندان شناسایی شد. نمونهٔ آماری هنگام مصاحبه با شهروندان با روش کوکران ۳۸٤ نفر انتخاب گردید. در گام چهارم به مصادیق تجلی این شاخص‌ها در بناهای مسکونی، نمونهٔ مطالعاتی و تطابق آن‌ها با مفهوم عدالت به روش میدانی پرداخته شده است. در نهایت نتایج حاصل از مشاهدات میدانی و مطالعات به‌صورت استدلال منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

مبانی نظری پژوهش

مفهوم وموضوع عدالت: از دیرباز از مباحث دامنه‌دار و مورد توجه جوامع بشری و دانشمندان بوده است و ادیان الهی نیز به‌طور مضاعف این مفهوم را مورد توجه قرار داده‌اند (علیخانی، ۱۱:۱۳۸۸). عدالت، به معانی قسط، دادگستری، مساوات و انصاف آمده است. همچنین مفهوم عدالت در جوامع با مفاهیم گستردهٔ دیگری همچون آزادی، برابری، دموکراسی، حقوق شهروندی و مانند آن‌ها همراه است و به خصوصیات یک جامعهٔ عدالت محور اشاره می‌کند(یی‌جیان[1] و همکاران، ۲۰۲۰: ۲). در منابع اسلامی، عدل را به معنای تساوی و نفی هرگونه تبعیض معنی می‌کنند؛ بنابراین عدالت یعنی رعایت تساوی در زمینهٔ استحقاق‌های متساوی و رعایت حقوق افراد می‌باشد. قرآن کریم نیز تصریح می‌کند که نظام هستی و آفرینش بر عدل، توازن و بر اساس استحقاق‌ها و قابلیت‌ها

[1] Yi Jian

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

استوار است (حسینی و نوروزیان، ۱۳۹۰: ۸۹). در واقع عدالت را می‌توان مفهومی مطلق دانست چون ذاتا خوب است و جایی نمی‌توان پیدا کرد که عدالت خوب نباشد و جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که عدالت را قبول نداشته و از آن گریزان باشد. به‌طوری‌که ویل دورانت ریشهٔ انحطاط و تخریب تمدن‌ها را در بی‌عدالتی و تبعیض می‌داند و بیان می‌کند «تمدن را نمی‌شود با فتح و غلبه از میان برد، تمدن‌ها تنها از درون تخریب می‌شود، مدنیت در جامعه با رعایت تساوی حقوق انسان‌ها شکوفا و بارور می‌شود و تبعیض ریشهٔ آن را می‌خشکاند، سلامت ملل مهم‌تر از ثروت ملل است» (دورانت، ۱۳۷۸: ۳-٤). آنچه در بحث عدالت مورد اشتراک و قابل توجه می‌باشد این است که عدالت و دستیابی به آن خواستهٔ اکثر جوامع با بینش‌ها و جهان‌بینی‌های متفاوت و گاها متضاد بوده است. در طول تاریخ نیز هر یک از دولت‌های اسلامی، سوسیالیستی، سوسیال دموکراسی، لیبرالیستی و غیره، هر کدام به طریقی در جستجوی عدالت بوده و با ارائهٔ راه‌کارهایی جهت دستیابی به آن و سامان‌دهی شرایط اجتماعی جامعه پرداخته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت: «عدالت نیز مقید به زمان و مکان و نوع روابط نظام و ساختارهای اجتماعی است» (حاتمی نژاد و راستی، ۱۳۸۵: ۳۹). البته دستیابی به عدالت به صورت آرمان تحقق نیافته و کمال مطلوب اکثر جوامع باقی مانده است.

گام اول، عدالت اجتماعی و نظریه‌های پیرامون آن: عدالت اجتماعی به‌طور کلی به ایجاد یک جامعهٔ عادلانه یا نهادی که متکی بر اصول برابری و همبستگی و درک ارزش‌های حقوق بشر تلاش می‌کند و شأن و منزلت هر انسان را به رسمیت می‌شناسد، تعریف می‌شود (لطفی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۰). عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایگاهی قرار گیرد که سزاوار آن است. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (تقوایی و همکاران، ۱۳۹٤: ۳۹٤). از نظر برایان بری[1] عدالت اجتماعی نظریه‌ای است که در بارهٔ نوع ترتیبات اجتماعی بوده و قابل دفاع باشد. جان رالز[2] که از نظریه‌پردازان علوم سیاسی بود در سال ۱۹۷۱ تئوری عدالت را مطرح نمود. رالز با لحاظ نمودن دو اصل موقعیت عادلانه خود را ارائه می‌دهد: اصل اول بهره‌مندی از آزادی حداکثری تا حدی که به آزادی دیگران لطمه وارد نسازد؛ اصل دوم این‌که نابرابری را در حدی می‌پذیرد که به منافع طبقهٔ کم درآمد جامعه لطمه‌ای وارد نسازد. بنابراین وی معتقد است که سیاست‌های اجتماعی بایستی برحسب تأثیر بر فقیرترین اعضای

[1] Brian Berry

[2] John Rawls

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

جامعه، مورد قضاوت قرار بگیرد (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۵). در جدول شمارهٔ یک به مؤثرترین مفاهیم فلسفی مرتبط با مفهوم عدالت پرداخته شده است.

جدول شمارهٔ یک- اثرگذارترین گزاره‌های فلسفی معطوف به عدالت در یک نگاه

نظریه‌پرداز	دستاوردهای نظری
افلاطون[۱]	عدالت طبیعی: هر کس باید در جایی قرار بگیرد که طبیعت او را قرار داده است. عدالت اجتماعی در گرو حکومت دانشمندان و حکما است.
ارسطو[۲]	عدالت توزیعی، امتیازات در جامعه باید بین همه‌ی افراد به تناسب شایستگی‌هایشان توزیع شود.
توماس هابز[۳]	دولت، مهارکنندهٔ تضاد بین افراد و برقرار کنندهٔ عدالت در جامعه است. چون انسان‌ها در حالت طبیعی، بر سر دستیابی به مزایای اجتماعی در ستیز با یکدیگر هستند، یک نهاد عالی و قاهر باید وجود داشته باشد که با قدرت و زور، عدالت را در جامعه پیاده کند. این نهاد، دولت است.
ژان ژاک رسو[۴]	همهٔ اصول اجتماعی باید بر مبنای قراردادهای مورد پذیرش عموم افراد جامعه تعیین گردد.
ایمانوئل کانت[۵]	همان‌طور با دیگران رفتار کن که دوست‌داری با تو رفتار کنند.
جرمی بنتام[۶]	بهترین تصمیم، تصمیمی است که به بیشترین افراد ممکن منفعت رساند.
کارل مارکس و فردریش انگلس[۷]	عدالت در شرایطی حاصل می‌شود که استثمار طبقهٔ محکوم (فاقد از ابزار تولید)، از طریق انقلاب علیه طبقهٔ حاکم (دارای ابزار تولید)، پایان پذیرد و طبقهٔ محکوم، حاکم شود و مالکیت خصوصی ملغی گردد.
گولت[۸]	توسعهٔ اقتصادی باید همراه با حفظ هویت محلی، احترام به ساختارهای اجتماعی و مراعات اصول اخلاقی صورت گیرد.

[1] Plato

[2] Aristotle

[3] Thomas Hobbes

[4] Jean-Jacques Rousseau

[5] Immanuel Kant

[6] Jeremy Bentham

[7] Karl Marx & Friedrich Engels

[8] Dennis Goulet

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

جان رالز[1]	در وضعیت نخستین، یعنی شرایطی که انسان هیچ اطلاعی از ویژگی‌های طبیعی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی خود (از جمله سن، جنس، نژاد، مذهب، ملیت، سطح سواد، مهارت، پایگاه خانوادگی، قوای جسمانی و غیره، ندارد و در اصطلاح پس پردهٔ جهل قرار دارد، هر انسانی می‌پذیرد که عدالت به‌عنوان پایهٔ هر گونه روابط اجتماعی قلمداد شود
هابرماس[2]	اصول و شیوه‌های عدالت در هر جامعه باید در فرآیند گفتمان اخلاقی با شرکت همهٔ افراد جامعه و با مهیا کردن شرایط ایده‌آل گفتار مشخص شود. شرایط ایده‌آل گفتار، ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از: فهم پذیری، حقیقت‌جویی، خلوص نیت و مشروعیت.
مارتا نوزبام و آمارتیا سن[3]	قابلیت‌های ضروری برای همهٔ اعضای جامعه که همگان به یک اندازه حق بهره‌مندی از آن را دارند عبارتند از: ۱)زندگی ۲) سلامتی ۳)انسجام جسمی ٤)دسترسی به آموزش ٥)در اختیار داشتن کنترل بر محیط (سیاسی و مادی)، همهٔ آحاد جامعه باید به این قابلیت‌ها دسترسی داشته باشند.

(ماخذ: شریفی، ۱۳۸۵: ٥٦).

می‌توان گفت اندیشهٔ عدالت‌طلبی و عدالت‌خواهی در طول تاریخ و در همهٔ جوامع همواره با تکامل بشر به شکل‌های مختلف مطرح گردیده است و هر اندیشمندی به اقتضای دانش و تجربهٔ خویش و متناسب با شرایط اجتماعی زمان خویش در مورد آن نظریاتی را مطرح کرده است. از دیگرسو، همهٔ نظام‌ها مدعی عدالت اجتماعی بوده‌اند، اما برداشت‌های آنها از عدالت اجتماعی متفاوت بوده است. از طرفی در جامعه، مردم قاعدتاً آشنایی کاملی با نظریه‌های عدالت ندارند؛ لیکن هر فرد براساس آموزه‌ها و تجربه‌هایی که در زندگی کسب می‌کند، در ذهن خود به نتیجه‌گیری خاصی دربارهٔ عادلانه یا ناعادلانه بودن ابعاد مختلف جامعه می‌رسد.

تمایزات مسکن سنتی و معاصر: مفهوم مسکن، کل محیط مسکونی را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر مسکن، چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است و کلیهٔ خدمات و تسهیلات عمومی لازم برای بهتر زیستن انسان را شامل می‌شود و باید حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده از آن فراهم باشد (اخترکاوان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۰). کالبد بناهای مسکونی در گذشته و در محلات قدیمی به گونه‌ای بوده‌اند که در پاسخگویی به نیازهای فردی و اجتماعی ساکنین از کارایی لازم برخوردار باشند و هماهنگی کاملی بین ساختار معماری و زیربنای زندگی اجتماعی اقتصادی خانوارها وجود داشت، اما دگرگونی در عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی

[1] John Rawls

[2] Habermas

[3] Martha Nussbaum & Amartya Sen

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

شهرهای امروز، اثرات منفی بر کارایی بناهای مسکونی در پاسخ‌گویی به نیاز ساکنین داشته است (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۹٦: ۳٦). به گونه‌ای که ناکارآمدی و از هم‌گسیختگی به وجود آمده، با توجه به عمر بالای بناهای مسکونی قدیمی و ساخت و سازهای جدید، بیشتر خود را نشان داده و پاسخگوی نیازهای امروز ساکنین نمی‌باشد. ساختار هم‌گون و یکپارچهٔ خانه‌های سنتی که در گذشته وجود داشته و هم‌اکنون در بسیاری از آن‌ها نیز سکونت وجود دارد را به عرصهٔ چالش میان سنت و تجدد و ابراز تفاوت‌ها و تمایزات طبقاتی مبدل نموده است. از طرفی مسکن سنتی در ایران دارای ویژگی‌هایی است که آن را از مسکن معاصر متمایز می‌کند. به‌طور مثال می‌توان ویژگی‌های زیر را برشمرد: ۱- مسکن سنتی ایرانی دارای فضای داخلی و فضای خصوصی خارجی (حیاط) است. ۲- حفظ حریم خانواده، کارکرد اصلی مسکن سنتی ایرانی است ۳- زندگی درون دیوارهای حیاط خانه‌های مسکونی سنتی، پاسخی مناسب به مقولهٔ امنیت خانوادگی بوده است. ٤- «باغ بهشت» مرکز هر خانهٔ ایرانی بوده است. اما در مسکن امروزی می‌توان گفت که حریم شخصی به نوعی قربانی احتیاجات اقتصادی و اجتماعی شده است. ارتباطات مکانی-فضایی ایجاد شده که در ابتدا مبتنی بر نیاز به حریم شخصی بود، کم کم تحلیل رفته و به حداقل رسیده است. اثر بخشی و گیرایی روابط مکانی-فضایی گذشته نیز از بین رفته است (نصر، ۱۳۹٤: ۷۱). به‌طور کلی در جامعهٔ امروز، تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی بین افراد، به پدید آمدن تفاوت‌های کالبدی در مناطق و بناهای مسکونی منجر شده است.

عدالت و مسکن: جامعهٔ امروز، دلیل افت مشارکت اجتماعی و تعامل شهروندان در دنیای معاصر را در طراحی تبعیض‌گونهٔ محیط‌های معماری و شهرسازی می‌داند و عدالت‌محوری در خلق فضاهای معماری و شهری را جایگزین مناسبی برای توسعهٔ پایدار صرفا اکولوژیک و نیز معماری بومی به شکل سنتی معرفی می‌کند (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷٤). بدون دسترسی به عدالت، مسکن به درستی به عنوان یک حقوق بشر، شناخته، درک یا خطاب نمی‌شود (سازمان ملل[1]، ۲۰۱۹: ۳). همچنین در کشورهای پیشرفته مسکن بُعدی از رفاه اجتماعی محسوب می‌گردد و برنامه‌ریزی در حوزهٔ مسکن با هدف بهبود کیفیت مسکن انجام می‌شود (اقبالی نیا و شهوانی، ۱۳۹٦: ۵). ابعاد کمی و کیفی مسکن به شاخص‌های متعددی تقسیم می‌شوند، که یکی از مهم‌ترین آنها شاخص‌های کالبدی مسکن است و به‌عنوان ابزاری جهت سنجش پایداری در بُعد ظاهری، شکلی و همچنین تأمین منصفانهٔ سرپناه و مسکن است (مرصوصی و همکاران، ۱٤۰۰: ۳۳). البته اولین مبحث در

[1] Human Rights Council

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

حوزۀ مسکن جهت دستیابی به عدالت شهری، دستیابی تمامی افراد و گروه‌های جامعه به سطوح مختلف مسکن است که با توجه به آسیب‌پذیرتر بودن گروه‌های کم درآمد و با درآمد متوسط، بیشترین توجه در جهت تأمین مسکن، متعلق به این گروه‌ها است (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۹). عدم وجود دسترسی به مسکن مناسب و بی‌عدالتی در خصوص مسکن و قوانین مرتبط با آن، منجر به شکل‌گیری بی‌خانمانی در بین افراد جامعه می‌شود (بیلی[1] و همکاران، ۲۰۲۰: ١٤). در مقیاس محلی نیز از مهم‌ترین عوامل تأمین عدالت میزان و چگونگی توزیع خدمات در شهر، رضایت از مسکن است (عبدالله زاده و همکاران، ١٣٩٦: ۳۸). مسکن که خود زندگی انسان است، باید عدالت را در رابطه با تعریف زندگی و فضاهای زیست انسان مطرح نماید (مسائلی، ۱۳۸۸: ۳۳). مسکن نه تنها جنبۀ انفرادی ندارد؛ بلکه به دلیل تأثیر مستقیم بر روابط اجتماعی و سیاسی یک جامعه، امری جمعی است و از خدمات عمومی–اجتماعی به شمار می‌آید. بی‌توجهی به جایگاه اجتماعی مسکن و نبود نگاه سیستماتیک در فرایندهای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری سیستم مسکونی، می‌تواند دستیابی به هدف دسترسی کل جامعه به مسکن را با مشکل روبه‌رو کند و به نابرابری فضایی که چند بُعدی و دربردارندۀ ابعاد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است بینجامد (عبدی دانشپور و شفیعی، ۱۳۹۷: ٢٦٧). از طرفی نابرابری فضایی در سیستم مسکونی شهرها امری وابسته به نابرابری در تلاش فردی و استعدادها و توانای های افراد در کسب درآمد، خرید ملک و مسکن نیست؛ بلکه ویژگی‌های اجتماعی بودن مسکن و بستر اقتصادی- سیاسی یک جامعه است که سبب می‌شود تا نابرابری در اشکال مختلف، یک جامعه را درگیر کند(همان: ٢٨٦). البته نابرابری به معنای بی‌عدالتی نمی‌باشد ولی در صورتی که نابرابری‌ها منجر به دسته‌بندی و جداگزینی اقشار مختلف جامعه از یکدیگر شده و منجر به تمایز در تقسیم امتیازهای اجتماعی و نابرابری در فرصت‌های زندگی همچون تحصیل مسکن بین افراد گردد، به بی‌عدالتی تعبیر می‌گردد. از طرفی داشتن مسکن مناسب می‌تواند موجبات تحکیم ثبات جامعۀ شهری، دوام روابط و مناسبات انسانی، افزایش حس هویت و تعلق اجتماعی در محیط شهری و سرانجام موجبات تحقق‌پذیری شهر عادل فراهم سازد (مرصوصی و همکاران، ١٤٠٠: ۳۳). می‌توان گفت عدالت در مسکن به معنای فرآهم کردن و ایجاد محیطی است که بخش عمده‌ای از نیازهای زندگی افراد جامعه را تأمین می‌کند و بستری مناسب جهت سکونت و رشد افراد فرآهم می‌کند، نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهد و به‌طور کلی کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد.

[1] Bailey

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

گام دوم، شاخص‌ها و زیر شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن: در طول تاریخ تعاریف متعددی از عدالت مطرح شده است و شاید اغلب تعریف‌های ارائه شده، تعریف به مصداق هستند و هر یک از آن‌ها، بخشی از حقیقت را منعکس می‌کنند (قربان نیا، ۱۳۸۳: ٥٤). در جدول ۲ به‌طور خلاصه به تفسیر مصادیق عدالت در مسکن پرداخته شده است

شناخت و تحلیل محدودهٔ مطالعاتی

محلهٔ پامنار از قدیمی‌ترین محلات شهر تهران است که هنوز در دل خود آثاری از زمان گذشته دارد. این محله در ناحیه دو منطقهٔ ۱۲ شهرداری تهران قرار گرفته است. محدودهٔ زمانی شکل‌گیری محلهٔ پامنار را باید مقارن با اهمیت یافتن تهران، به‌عنوان یک شهر دانست چرا که محلهٔ پامنار یکی از اولین محله‌های تهران بوده است و تاریخی مساوی با تاریخ شهر تهران دارد. امروزه نیز به عنوان یکی از محلات قدیمی با اعتبار شهر تهران شناخته می‌شود. منطقهٔ مورد مطالعه دارای بافت قدیمی بوده و خانه‌ها و ساختمان‌ها، عمدتا با معماری سنتی و مصالح قدیمی (چوب -آجر - خشت) در آن باقی مانده‌اند. در این محله، کوچه‌ها و معابر عمومی، تنگ و باریک و پرپیچ و خم و بعضا دارای بن‌بست و یا بازار مسقّف هستند (معظمی و عبدی، ۱۳۹٦: ۱۱٥). تسمیهٔ محله پامنار به وجود منارهٔ مسجد پامنار باز می‌گردد. در این محله، مسجدی با تک منارهٔ زیبا وجود دارد که منارهٔ این مسجد متعلق به دورهٔ صفویه است و نام این محله نیز از روی نام منارهٔ مسجد پامنار گرفته شده است (http://shabestan.ir/).

بررسی تطبیقی مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر محلهٔ پامنار

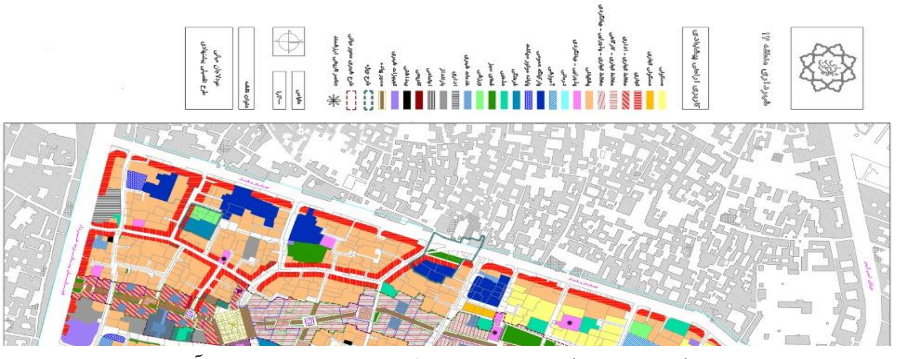

شکل شمارهٔ یک_ محدودهٔ محلهٔ پامنار و کاربری‌های آن

(ماخذ: طرح تفصیلی عودلاجان، ۱۳۸٤: ۲۵۳)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

مسکن از بایدها و ضروریات زندگی بوده است و عدالت در خصوص مسکن و در تمام ابعاد آن، باید تعریف، مشخص و تأمین گردد. یکی از مهم‌ترین این بخش‌ها کالبد بناهای مسکونی می‌باشد. براساس مطالب عنوان شده در جدول ۳ به صورت خلاصه به افتراقات و اشتراکات تبلور مفهوم عدالت در کالبد بناهای مسکونی سنتی و معاصر محلهٔ پامنار پرداخته شده است

جدول شمارهٔ سه-تحلیل تطبیقی شاخص‌های عدالت در بناهای مسکونی سنتی و مدرن محدودهٔ مطالعاتی

زیرشاخص‌های عدالت	شیوهٔ تحقق در مسکن	نمونهٔ تحقق در مسکن (محله پامنار)	اعتبارسنجی (اشتراکات و افتراقات) در مسکن سنتی و معاصر محدودهٔ مطالعاتی
آرامش	خوشایند بودن محل سکونت و رضایت‌مندی ساکنین از آن و داشتن آرامش در منزل	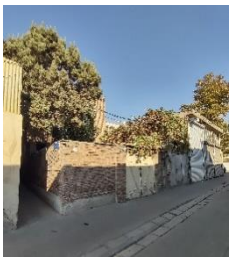 کالبد بیرونی یک مسکن سنتی و درختان سرسبز آن	در گذشته معابر و کوچه‌های محلهٔ پامنار متناسب با سبک زندگی و نیازهای افراد و بر اساس سلسله مراتب دسترسی شکل گرفته و حریم خصوصی ساکنان در بناهای مسکونی سنتی حفظ شده است که توجه به این امر در راستای تأمین آرامش افراد بوده است؛ اما امروزه با تعریض کوچه‌های امن و آرام آن به استناد طرح‌های تفضیلی، عقب‌نشینی جهت بازسازی بناها و تبدیل به خیابان‌های عریض و قابل تردد وسایل نقلیه موتوری، متراژ بسیار کم واحدهای مسکونی و کم رنگ شدن حریم‌ها، اشرافیت واحدهای مسکونی به یکدیگر با فاصلهٔ بسیار نزدیک به واسطهٔ ساخت و سازهای معاصر بدون توجه به موارد فوق منجر به از بین رفتن آرامش ساکنین در محلهٔ پامنار شده است.
امنیت	رعایت حریم‌ها و جلوگیری از مزاحمت برای ساکنین، وجود امنیت روانی و ساختاری	 ایجاد دید و شفافیت بصری در مسیر تردد	طراحی مناسب و کاربردی موثر محیط و عناصر کالبدی بناهای مسکونی، منجر به افزایش احساس امنیت در افراد و بهبود کیفیت محیط زندگی آن‌ها می‌شود. این مهم به وضوح در بناهای سنتی و معابر محلهٔ پامنار قابل مشاهده است. اما با گسترش ساخت و ساز و تغییر کاربری بسیاری از بناهای مسکونی سنتی، این محله (تبدیل به انبار برای مغازه‌های بازار تهران) و افزایش تراکم جمعیتی محله و افزایش ساخت و سازها موجب شده است که کوچه‌های امن و باریک گذشته که خود زمانی تامین‌کنندهٔ امنیت برای ساکنین این محله بده است، اکنون به‌عنوان تهدیدی جهت امنیت به دلیل ایجاد فضاهای غیر شفاف و دور از نظارت همسایگان شده است. همچنین به علت شرایط اجتماعی زندگی مدرن و عدم

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

		 معابر فرعی نیمه خصوصی و کنترل غیر مستقیم عبور و مرور در مسکن سنتی محله پامنار	شناخت همسایگان نسبت به یکدیگر، سبب جدایی‌گزینی افراد و کاهش احساس امنیت شده است.
توجه به حقوق فردی و همسایگی	هیچ‌کس حق ندارد به خود و دیگران به وسیلهٔ ساخت و ساز یا هر عمل دیگری آسیب برساند، که با قاعدهٔ «لاضرر و لاضرار»، در اسلام نیز شناخته می‌شود	 عدم اشرافیت بناهای مسکونی سنتی نسبت به یکدیگر و اشرافیت آپارتمان مسکونی نوساز نسبت به سایر بناهای مسکونی	مسکن سنتی در محلهٔ پامنار در عین اینکه نیازهای ساکنین در ابعاد مختلف آن را تامین می‌کند، هیچ‌گونه مزاحمت و آسیبی نسبت به سایر بناهای مسکونی واقع در همسایگی خود وارد نمی‌سازد. عدالت به مصداق قاعدهٔ «لاضرر و لا ضرار» تجلی پیدا کرده است. ولکن امروزه ساخت آپارتمان‌های چند طبقه و اشرافیت به سایر بناهای مسکونی، سایه‌اندازی و کور کردن دید و منظر سایر بناهای مسکونی، تردد و پارک خودرو در معابر باریک محله و مانند آن‌ها حاکی از عدم توجه به این موضوع در بناهای معاصر و نوساز ساخته شده در این محله می‌باشد که حاکی از عدم رعایت حقوق فردی و اجتماعی شهروندان است، که به بی‌عدالتی تعبیر می‌گردد.
وحدت کالبدی	رعایت معیارهای تناسب و توازن، استقرار و تکرار و کلیت هماهنگ با اجزاء	 اعتدال و هماهنگی بین کلیت و اجزاء معماری در بناهای مسکونی سنتی  استفاده از مصالح آجری در بنای مسکونی معاصر و عدم هماهنگی آن یا بافت محله	وحدت کالبدی در بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار قابل مشاهده می‌باشد. تمام بناهای سنتی واقع در محلهٔ پامنار از یک اصول کلی در خط آسمان، خط طبقات، نوع مصالح، بافت منطقه، مقیاس‌ها و مانند آن‌ها، با هم هم‌خوانی دارند. همچنین وحدت کالبدی به مثابهٔ «اعتدال و هماهنگی» بین کلیت و اجزاء معماری نیز در بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار وجود دارد. ولکن این وحدت کالبدی نه در بین بناهای مسکونی معاصر ساخته شده و نه در بین بناهای معاصر تازه ساخت و سنتی قدیمی واقع در محلهٔ پامنار وجود ندارد تنها در اندک بناهای انگشت‌شماری که با استفاده از مصالح آجری و به‌صورت شکلی سعی در ایجاد ارتباط با بافت محله و ایجاد وحدت داشته‌اند، می‌توان نام برد که با توجه به جزئیات اجرایی آن‌ها در این زمینه، چندان موفق نبوده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

محرمیت	رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی پرهیز از اشراف	 رعایت محل قرارگیری ورودی‌ها و عدم اشرافیت بناهای مسکونی سنتی نسبت به یکدیگر  اشرافیت و دید بنای مسکونی معاصر نوساز نسبت به سایر بناهای همسایگی در محلهٔ پامنار	در معماری سنتی بناهای مسکونی قدیمی محلهٔ پامنار، توجه به محرمیت موجب پدید آمدن تناسبات و سلسله مراتب خاصی در کالبد و نمای آن‌ها مانند عرصه‌بندی درون خانه، آرایش قطعات، پرهیز از اشراف (طراحی مناسب، در، پنجره، ورودی) شده است. ولکن در بناهای مسکونی نوساز و معاصر محلهٔ پامنار حریم‌ها و توجه محرمیت به دلایل زیادی مانند کم شدن متراژ بناهای مسکونی، افزایش تعداد طبقات ساختمان‌های مسکونی، افزایش تراکم ساختمان‌ها و مانند آن عمدتا نامشخص است و منجر به کاهش محرمیت شده است.
فضاهای تعامل اجتماعی	فضاهایی جهت ارتباط ساکنین با دیگران در خارج از واحد مسکونی مانند فضاهای عمومی و مشاع بین واحدهای همسایگی	 بنای مسکونی سنتی و حیاط پیش ورودی  حیاط بنای مسکونی سنتی به عنوان فضای مشاع و محلی برای تعاملات اجتماعی	در سال‌های نه چندان دور در محلهٔ پامنار و بافت سنتی آن وجود فضاهای عمومی و مشاع مانند: معابر نیمه عمومی که به صورت کوچه‌های بن‌بست شکل گرفته‌اند و مالکیت ضمنی و معنوی ساکنان بر آن‌ها، حیاط بناهای سنتی، پیش-ورودی بناها و مانند آن‌ها، منجر به افزایش سطح تعاملات اجتماعی افراد و روابط بین همسایگان بود. اما امروزه با تغییر سبک زندگی و افزایش آپارتمان‌نشینی، عدم شناخت همسایگان نسبت به یکدیگر و عوامل متعددی از این دست موجب گردیده است که تعاملات اجتماعی بین افراد در این محله کم‌رنگ شود و فضاهای مشاعی مانند لابی ورودی در اکثر بناهای مسکونی معاصر به دلایل اقتصادی و مساحت کم واحدها حذف شده است. در واقع فضاهایی که در بافت سنتی محلهٔ پامنار با هدف افزایش تعاملات اجتماعی بود و در مسکن سنتی وجود داشته است در مسکن معاصر تحلیل رفته و به حداقل رسیده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

ویژگی‌های کمی و کیفی مسکن	ویژگی کمی: تراکم ساختمانی، ضریب اشغال و تعداد واحد ویژگی کیفی: کیفیت ساخت مسکن، تعداد اتاق به ازای نفرات ساکن در بنا و مانند آن	 تراکم واحد مسکونی و عرض کم معابر  بنای مسکونی نوساز و عدم کیفیت کالبدی آن	از لحاظ کمی بناهای مسکونی سنتی واقع در محلهٔ پامنار شهر تهران عمدتا یک یا دو طبقه بوده و با معابر باریک و در تناسب با جمعیت محله و تعداد افراد ساکن در آن‌ها شکل گرفته، همچنین ویژگی‌های کیفی آن‌ها در کلیت متناسب با زمان ساخت‌شان مناسب بوده است، اما اکنون در گذر زمان و استهلاک کالبدی و تغییرات سبک زندگی افراد، کالبد بناهای مسکونی سنتی با استانداردهای کمی و کیفی که امروزه از مسکن انتظار می‌رود مطابقت ندارند. از طرفی بناهای قدیمی واقع در این محله که تخریب و نوسازی می‌گردند، به‌صورت چند طبقه و با تعداد واحدهای آپارتمانی مسکونی بیشتری ساخته می‌شوند که این امر منجر به افزایش تراکم ساختمانی، جمعیت‌پذیری و تعداد واحد مسکونی بیش از استانداردهای تعریف شده برای این محله شده است. در مجموع می‌توان گفت بناهای مسکونی محلهٔ پامنار از نظر کمی و کیفی شرایط مطلوبی ندارند.
پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی و توجه به افراد دارای معلولیت	امکان استفاده برای گروه‌های آسیب‌پذیر و افراد دارای معلولیت، تطابق و پاسخ-گویی کالبد ساختمان متناسب با نیاز افراد در گذر زمان	 ساخت رمپ معلول غیراستاندارد مقابل ورودی	با توجه به بافت فشرده محلهٔ پامنار و مجاورت آن در نزدیک بازار تهران، که منجر به تحت تاثیر قرار دادن منطقهٔ مسکونی این محله جهت اسکان نیروی کار شاغل در بازار و مسائل مرتبط با بازار شده است، امروزه متأسفانه توجه به نیازهای انسانی و افراد دارای معلولیت نه در بناهای مسکونی سنتی و نه در بناهای مسکونی معاصر مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین در صورت بروز مشکل و حادثه امکان امدادرسانی به افراد و تردد وسایل نقلیه همچون آمبولانس، ماشین آتش-نشانی و مانند آن‌ها در بسیاری از کوچه‌ها و معابر این محله امکان‌پذیر نمی‌باشد.
تطابق بافت بناهای مسکونی	هماهنگی بناها با ویژگی‌های منظر شهری و بناهای مجاور	 تفاوت و تضاد بافت مسکن سنتی خشتی و آپارتمان نوساز معاصر	بناهای سنتی در محلهٔ پامنار، به‌صورت هماهنگ با یکدیگر در یک بافت منسجم و متعادل از نظر مصالح، شیوهٔ ساخت و مانند آن‌ها ساخته شده‌اند، اما بناهای مسکونی معاصر با طراحی مدرن عمدتا به‌صورت آپارتمانی و بی‌توجه به بافت سنتی محلهٔ پامنار شکل گرفته‌اند و منجر به برهم زدن هویت بافت سنتی محلهٔ پامنار شده‌اند. عدم توجه به بافت محله، علاوه بر سبک طراحی بناها، در مصالح، عملکردها، ارتفاع، دید و منظر، سلسله‌مراتب و مانند آن‌ها مشخص است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

خط آسمان و ارتفاع بنای مسکونی	رعایت و تناسب ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به یکدیگر در محلات مسکونی و رعایت خط آسمان در بافت شهری و محلات	 اختلاف خط آسمان بین بنای مسکونی مدرن و سنتی	بناهای مسکونی سنتی در محلهٔ پامنار به‌صورت یک یا دو طبقه و بدون ایجاد اشراف نسبت به سایر بناهای مسکونی و با خط آسمان یکدست ساخته شده‌اند، اما بناهای مسکونی مدرن عمدتا در چند طبقه و در تضاد با بافت سنتی محلهٔ پامنار شکل گرفته‌اند که علاوه بر مسائلی همچون زیبایی-شناسی و برهم زدن خط آسمان در محله با ایجاد اشرافیت، مزاحمت بر نورگیری سایر بناهای مسکونی و عدم رعایت حقوق همسایگی شده‌اند که در تضاد با مفهوم عدالت می‌باشد.
تزئینات بنای مسکونی	استفاده از روش-های خاص در چینش مصالح، سر ستون‌های تزئینی و مانند آن‌ها	 پیش‌ورودی یک بنای مسکونی سنتی در محلهٔ پامنار و سرستون تزئینی در طبقهٔ دوم و نمای بنا	بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار فاقد تزئینات فاخر با رویکرد ایجاد تمایز و فخرفروشی نسبت به سایر بناهای مسکونی ساخته شده‌اند و تزئینات بیشتر در ورودی بناها با عقب‌نشینی و چیدمان آجر و به‌صورت فرمی در کالبد بناها نمایان می‌باشد. در بناهای مدرن ساخته شده نیز اکثر بناها فاقد تزئینات فاخر و مجلل می‌باشند و اکثرا به‌صورت آپارتمانی و به سبک مدرن طراحی و ساخته شده‌اند.
تعادل	رابطهٔ کارکرد و کالبد بنا متناسب با نیازهای افراد	 تعادل در نمای بنای مسکونی سنتی در محلهٔ پامنار	تعادل و اعتدال در کالبد تمام بناهای مسکونی سنتی در محلهٔ پامنار رعایت شده است و در مقایسهٔ تطبیقی بناهای سنتی در همسایگی یکدیگر تفاوت فاحشی بین آن‌ها وجود ندارد. اما در بناهای مدرن معاصر ساخته شده در این محله، تلاش در جهت بیشترین استفاده از فضا و تحت تاثیر مسائل اقتصادی در ساخت بنا به مفهوم تعادل و رعایت آن در کالبد بناهای مسکونی مدرن توجه چندانی نشده است و منجر به برهم خوردن تعادل در بافت کل محلهٔ پامنار شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

سادگی و پرهیز از بیهودگی (اسراف نکردن)	تاکید بر عدم ساخت، به منظور تفنن و عناصر تزئینی غیر ضروری مانند عدم استفاده از مجسمه و تندیس در بناها	 نمای بنای مسکونی با حفظ سادگی فرم، رنگ و پوشش گیاهی و پرهیز از خودنمایی  نمای بنای مسکونی-تجاری معاصر ساده ولی عدم هماهنگ با بافت کالبدی محله و سایر بناها در ورودی، بازشوها، فرم تزئینات، مصالح، تناسبات و سایر شاخص‌های کالبدی	میان پرهیز از بیهودگی و وحدت‌گرایی رابطهٔ مثبت وجود دارد و ایـــن بدان معناســـت که در صورت منطبق شـــدن مسکن با محیط اطـــراف و پرهیز از بیهودگی می‌توان با محیط به وحدت و یکپارچگی رســـید (نجار نژاد مشهدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶). رعایت سادگی و پرهیز از بیهودگی در تمامی بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار رعایت شده است و بناهای ساخته شده به دور از تفاخر و در همسایگی یکدیگر ساخته شده‌اند. توجه به این مهم در بناهای مسکونی معاصر نیز رعایت شده است اما به دلیل اینکه بناهای مسکونی معاصر ساخته شده با محیط و بافت کالبدی محلهٔ پامنار هم‌خوانی ندارند (تفاوت در سبک طراحی، بی‌توجهی به ارتفاع و تعداد طبقات، تفاوت در مصالح و مانند آن شکل گرفته‌اند) وحدت کالبدی نه در بین بناهای مسکونی معاصر به تنهایی و نه در بین بناهای معاصر و سنتی قدیمی واقع در محلهٔ پامنار وجود ندارد. همچنین رعایت سادگی و پرهیز از بیهودگی در برقراری ارتباط مؤثر افراد با یکدیگر، کاهش میزان استرس، شادی اجتماعی، هویت اجتماعی و صمیمیت بین افراد موثر است (عباسی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۹)
تناسبات	نسبت کل ساختمان به اجزاء و سطوح آن	 رعایت تناسبات در کالبد بنای مسکونی سنتی	تناسبات در کالبد بناهای مسکونی سنتی همانند ابعاد ورودی، درب و پنجره‌ها متناسب با وسعت مسکن و آنچه که از بیرون بنا توسط عابران قابل مشاهده است، فارغ از اینکه بنا کوچک و در متراژ کم یا وسعت زیاد ساخته شده باشد، رعایت گردیده است. ولی در بناهای مسکونی مدرن، بنا به ضوابط شهرسازی جهت نورگیری، اشرافیت و مانند آن‌ها، تناسبات کالبدی بناهای مسکونی دست‌خوش تغییراتی مانند ارتفاع نصب بالای پنجره‌ها (۱۷۰ سانتیمتر) و نبود دید و منظر مناسب برای ساکنین در کنار ایجاد اشرافیت به سایر واحدهای مسکونی شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

سلسله مراتب	رعایت سلسله مراتب در طراحی بنا و رعایت حدفاصل فضای عمومی و خصوصی	 پیش‌ورودی یک بنای مسکونی سنتی	سلسله مراتب فضایی در بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار با تعریف مرزهای روشن بین فضاهای عمومی و خصوصی مانند حیاط، هشتی که عمدتا برای یک خانواده بوده است، تعریف شده است. همچنین سلسله مراتب در دسترسی معابر و تعریف فضاهای نیمه‌خصوصی (کوچه‌های بن‌بست) و مالکیت ضمنی ساکنین بر آن‌ها رعایت شده است. اما در معماری بناهای مسکونی معاصر که وسعت بناهای مسکونی کوچک و کم شده است، معابر نیمه‌خصوصی، به دلیل عدم امکان تردد خودرو متناسب با نیاز ساکنین کارایی خود را از دست داده و عملا فضای بینابین و سلسله‌مراتب فضایی در بناهای مسکونی معاصر کم‌رنگ شده است.
مقیاس	رعایت مقیاس بصری و مفهومی در بناها	 کم شدن وسعت بنای مسکونی نوساز به خاطر عقب نشینی مطابق ضوابط معماری	در مسکن سنتی، توجه به مقیاس و تطابق آن با ابعاد انسانی در ارتفاع ساختمان‌ها و سایر مؤلفه‌های کالبدی بناهای مسکونی، مشهود و قابل توجه است. اما توجه به مقیاس انسانی در کالبد بناهای مسکونی مدرن رعایت نشده است بدین صورت که برخی بناها با عرض کم و ارتفاع زیاد و عقب‌نشینی هنگام نوسازی ساخته شده‌اند یا بناهای مسکونی با درب‌های ماشین‌رو در داخل کوچه‌های بن‌بستی که امکان تردد خودرو در آن وجود ندارد، ساخته شده‌اند که بیانگر عدم توجه به مقیاس و فقط ساخت در جهت ایجاد سرپناه انجام شده است. علاوه بر آن در برخی موارد، نوسازی‌های انجام گرفته به علت ادغام چند زمین با یکدیگر و ساخت مسکن در چند طبقه و با وسعت بیشتر، نسبت به ابعاد بناهای مسکونی سنتی، سبب تفاوت در مقیاس از نظر ظاهری بین بناهای نوساز معاصر و بناهای سنتی شده است.
مصالح	استفاده از مصالح متناسب با زیست‌بوم	 نمای آجری بنای مسکونی معاصر	مصالح به‌کار رفته در بناهای سنتی منطبق با زیست‌بوم منطقه و عمدتا با استفاده از مصالح خشت، آجری و پایهٔ سیمانی ساخته شده‌اند. مصالح به کار رفته در بناهای نوساز و معاصر ساخته شده نیز عمدتا با مصالح بتنی، فلزی و آجری استفاده شده است و در نمای تعداد اندکی از بناهای مدرن واقع در محله نیز از مصالح سنگی استفاده شده است که فاقد تزئینات پر کار می‌باشند. در مجموع، از نظر مصالح بین بناهای سنتی و مدرن محلهٔ پامنار تفاوت چندانی وجود ندارد، ولی چیدمان مصالح و نحوهٔ به کاگیری آن‌ها در کنار هم در بناهای سنتی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

			و معاصر با یکدیگر هم‌خوانی ندارد و تفاوت بافت کالبدی و مصالح آن‌ها به روشنی مشخص است.
حق مسکن و مالکیت آن	حق داشتن مسکن و آزادی افراد در انتخاب نوع مسکن تملک آن	 تصویری از یک فرد بی‌خانمان در معبر عمومی	حق مسکن و بهره‌مندی از آن جزء ابتدایی‌ترین عوامل جهت ایجاد عدالت اجتماعی در جوامع محسوب می‌شود. بررسی مالکیت مسکن و سنجش آن نیاز به مطالعات آماری دقیق دارد که در بازهٔ زمانی این پژوهش مقدور نبوده ولی در بررسی‌های میدانی وجود اقشار مهاجر، کارگران غیر قانونی افغان، افراد بی‌خانمان، معتادین و مانند آن‌ها در کوچه‌های محلهٔ پامنار قابل مشاهده است که علاوه بر معضلات خاص خود برای آن‌ها، مشکلات عدیده‌ای برای سایر ساکنین و گروه‌های آسیب‌پذیر در این محله ایجاد می‌کند و حاکی از عدم شرایط مطلوب سکونت در این محله می‌باشد.
استواری مسکن	ساخت بنا با سازه و مصالح مقاوم که در گذر زمان برای ساکنین ایمن باشد، مانند طراحی بر اساس اصول مهندسی و با مصالح بادوام نه بناهای ساخته شده با استفاده از خشت و گل، حلبی‌های خالی روغن و امثال آن.	 مسکن سنتی غیر استوار در کنار مسکن نوساز با ظاهر نسبتا استوار	اکثر بناهای مسکونی سنتی، به‌خاطر استفاده از مصالحی مانند خشت و آجر در گذر زمان دچار فرسودگی شده و فاقد سازهٔ با کیفیت و بادوام جهت سکونت مطابق استانداردهای امروزی می‌باشند. اما بناهای مدرن ساخته شده در این محله، وضعیت مطلوب‌تری حداقل به لحاظ ظاهری در این خصوص دارند که البته با توجه به بافت فشرده و کوچه‌های باریک و طویل می‌توان گفت در صورت بروز حادثه‌ای، تمام بناهایی که در همسایگی یکدیگر قرار دارند، تحت تاثیر قرار خواهند گرفت و محلهٔ پامنار از حیث استواری وضعیت مطلوبی ندارد.

(ماخذ: نگارندگان)

گام سوم، وضعیت رتبه‌بندی مؤلفه‌ها از نظر شهروندان:

در این بخش با استفاده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن و آزمون تی‌تک نمونه‌ای، تطابق شاخص‌های مسکن سنتی با مفهوم عدالت از نظر شهروندان که در قالب پرسشنامه مورد پیمایش قرار گرفت، بر اساس نمرات، اولویت‌بندی گردید. نتایج آزمون فریدمن و تی‌تک نمونه‌ای در جدول ٤، برای رتبه‌بندی شاخص‌ها در مسکن سنتی و در جدول۵، برای بناهای مسکونی معاصر واقع در محلهٔ پامنار آمده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داد که مقدار کای اسکوئر برابر با ٦٥٨/٢ است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است و گویای این است که تفاوت معنی‌داری در رتبهٔ ۱۹ شاخص در مسکن سنتی وجود دارد (p<۰/۰۵). بالاترین اولویت و رتبه در بین شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی، به‌ترتیب مربوط به حق مسکن و مالکیت آن، امنیت و تعادل در بخش‌های مختلف مسکن است. پایین‌ترین رتبه و کم‌ترین اولویت، مربوط به فضاهای تعامل اجتماعی و ویژگی‌های کمی و کیفی مسکن است. آزمون تی‌تک نمونه‌ای نشان داد ۱۷ شاخص دارای اهمیت زیاد و ۲ شاخص دارای اهمیت متوسط هستند.

جدول شمارهٔ چهار- رتبه‌بندی تطابق شاخص‌های مسکن سنتی با مفهوم عدالت از نظر شهروندان بر اساس آزمون رتبه‌بندی فریدمن و تی‌تک نمونه‌ای

شاخص ها	زیر شاخص‌ها	آماره های توصیفی		آزمون فریدمن		آزمون تی تک نمونه ای	
		میانگین	میانه	رتبه	میانگین رتبه	مقدار p	اهمیت
اجتماعی	حق مسکن و مالکیت آن	٤/٦٠	٤	۱	۱۳/۹۸	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	امنیت	٤/٥٠	٤	۲	۱۳/۷٤	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	تعادل	٤/٥٠	٤	۳	۱۳/۷۲	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	پاسخگویی به نیازهای انسانی و معلولین	٤/۳۰	٤	٤	۱۳/۳۳	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	محرمیت	٤/۳۰	٤	٥	۱۳/۲۹	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	توجه به حقوق فردی و همسایگی	٤/۲٤	٤	٦	۱۲/٥٥	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	آرامش و آسایش	٤/۲۰	٤	۷	۱۲/٤٥	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	وحدت کالبدی	٤/۱۸	٤	۸	۱۲/۳۰	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	تطابق بافت بناهای مسکونی	٤/۱۸	٤	۹	۱۲/۲۸	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	تزئینات مسکن	٤/۱۰	٤	۱۰	۱۱/۷۸	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	مقیاس مسکن	٤	٤	۱۱	۱۱/٤٥	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	سلسله مراتب	۳/۹٥	٤	۱۲	۱۱/۳۲	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	ارتفاع بنای مسکونی و خط آسمان	۳/۸٥	۳	۱۳	۱۰/۸۳	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	مصالح	۳/۸۰	٤	۱٤	۱۰/٥۲	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	تناسبات مسکن	۳/۷٥	٤	۱٥	۱۰/۳۷	< ۰/۰۰۱	زیاد

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

کالبدی	استواری مسکن	۳/۷۵	٤	١٦	۱۰/۲۸	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	سادگی و پرهیز از بیهودگی	۳/٦۷	٤	۱۷	۹/۹٤	۰/۰۱۳	زیاد
کالبدی	ویژگی‌های کمی و کیفی مسکن	۳/۵۵	۳	۱۸	۹/٦۵	۰/۲۵٤	متوسط
اجتماعی و کالبدی	فضاهای تعامل اجتماعی	۳/٤٦	۳	۱۹	۹/۳۷	۰/۳۱۱	متوسط

(ماخذ: نگارندگان)

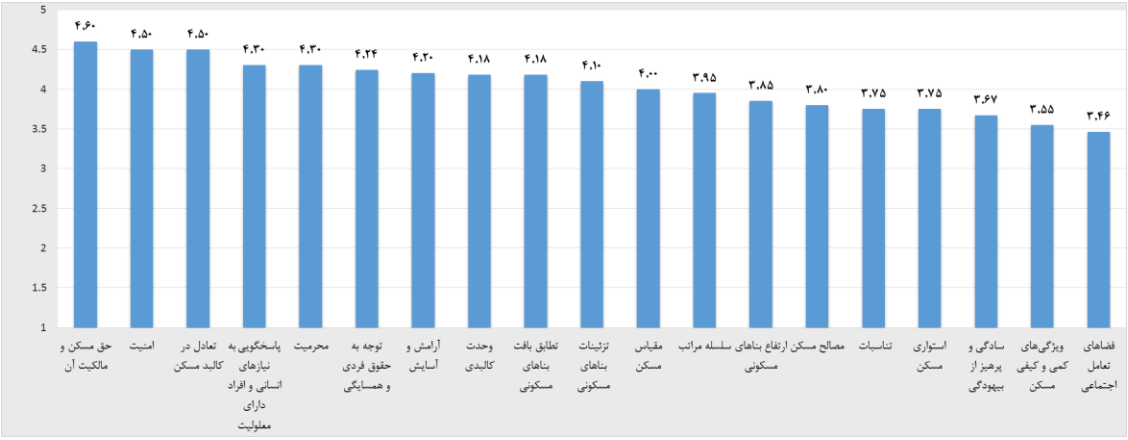

نمودار شمارهٔ دو- نمودار ستونی و رتبه‌بندی تطابق شاخص‌های مسکن سنتی با مفهوم عدالت از نظر شهروندان (ماخذ: نگارندگان)

جدول۵، نشان‌دهندهٔ نتایج آزمون رتبه‌بندی فریدمن و تی‌تک نمونه‌ای برای رتبه‌بندی ۱۹ شاخص مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن معاصر در محلهٔ پامنار است. آزمون رتبه‌بندی فریدمن نشان داد که مقدار کای اسکوئر برابر با ۱٦۵۳/۷ است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار است و گویای این است که تفاوت معنی‌داری در رتبهٔ ۱۹ شاخص در مسکن معاصر وجود دارد (p<۰/۰۵). از نظر شهروندان، بالاترین اولویت و رتبه در بین مؤلفه‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن معاصر، به‌ترتیب مربوط به امنیت، حق مسکن و مالکیت آن، توجه به حقوق فردی و همسایگی است. پایین‌ترین رتبه و کم‌ترین اولویت مربوط به فضاهای تعامل اجتماعی، سادگی و پرهیز از بیهودگی، سلسله مراتب در کالبد مسکن است. آزمون تی‌تک نمونه‌ای نشان داد ٦ شاخص، دارای اهمیت زیاد، ۱۱ شاخص، دارای اهمیت متوسط و ۲ شاخص، اهمیت کم دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

جدول شمارهٔ پنج- رتبه‌بندی تطابق شاخص‌های مسکن معاصر با مفهوم عدالت از نظر شهروندان بر اساس آزمون رتبه‌بندی فریدمن و تی‌تک نمونه‌ای

شاخص ها	زیر شاخص‌ها	آماره های توصیفی		آزمون فریدمن		آزمون تی تک نمونه ای	
		میانگین	میانه	رتبه	میانگین رتبه	مقدار p	اهمیت
اجتماعی و کالبدی	امنیت	٤/٢٢	٤	١	١٣/١١	< ۰/۰۰۱	زیاد
جتماعی	حق مسکن و مالکیت آن	٤/١٠	٤	٢	١٢/٦٢	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	توجه به حقوق فردی و همسایگی	٤	٤	٣	١٢/٢٧	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	آرامش و آسایش	٣/٩٠	٤	٤	١٢/٠٣	< ۰/۰۰۱	زیاد
اجتماعی و کالبدی	پاسخگویی به نیازهای انسانی و معلولین	٣,٨٢	٤	٥	١١/٧٩	< ۰/۰۰۱	زیاد
کالبدی	ویژگی‌های کمی و کیفی مسکن	٣/٦٠	٤	٦	١١/١٣	۰/۰۳۸	زیاد
کالبدی	وحدت کالبدی	٣/٥٥	٤	٧	١٠/٩٤	۰/۲۵۷	متوسط
کالبدی	تطابق بافت بناهای مسکونی	٣/٥٢	٤	٨	١٠/٨٥	۰/۷۵۲	متوسط
کالبدی	مصالح	٣/٥٠	٤	٩	١٠/٧٤	۰/۹۵۸	متوسط
اجتماعی و کالبدی	تزئینات مسکن	٣/٣١	٤	١٠	٩/٩٨	۰/۰۰٤	متوسط
کالبدی	مقیاس مسکن	٣/٢٦	٤	١١	٩/٨١	< ۰/۰۰۱	متوسط
کالبدی	محرمیت	٣/٢٤	٤	١٢	٩/٧٦	< ۰/۰۰۱	متوسط
کالبدی	ارتفاع بنای مسکونی و خط آسمان	٣/٢٠	٣	١٣	٩/٥٩	< ۰/۰۰۱	متوسط
کالبدی	استواری مسکن	٣/١٢	٤	١٤	٩/٣٢	< ۰/۰۰۱	متوسط
کالبدی	تعادل مسکن	٣/١٢	٣	١٥	٩/٣١	< ۰/۰۰۱	متوسط
کالبدی	تناسبات	٣/٠٦	٣	١٦	٩/٠٧	< ۰/۰۰۱	متوسط
کالبدی	سلسله مراتب	٣	٣	١٧	٨/٨٩	< ۰/۰۰۱	متوسط
کالبدی	سادگی و پرهیز از بیهودگی	٢/٩	٣	١٨	٨/٦٩	< ۰/۰۰۱	کم
اجتماعی و کالبدی	فضاهای تعامل اجتماعی	٢/٨٠	٣	١٩	٨/٣٢	< ۰/۰۰۱	کم

(ماخذ: نگارندگان)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

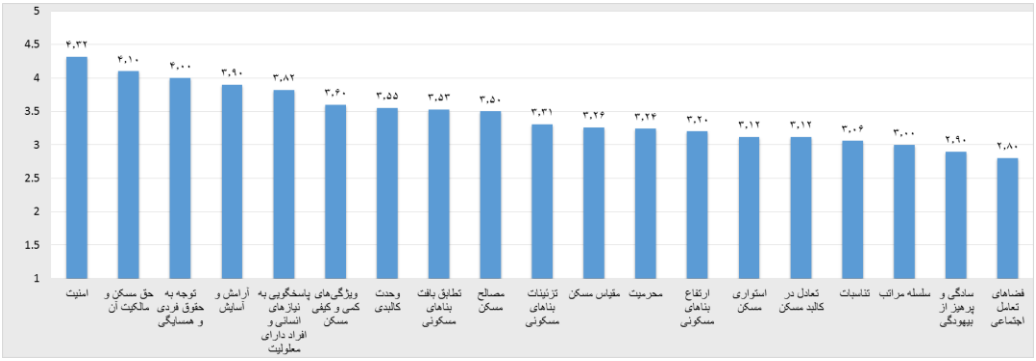

نمودار شمارهٔ سه- نمودار ستونی و رتبه‌بندی تطابق شاخص‌های مسکن معاصر با مفهوم عدالت از نظر شهروندان (ماخذ: نگارندگان)

مقایسه وضعیت شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر نمونهٔمطالعاتی، از نظر شهروندان

با استفاده از آزمون تی[1] گروه‌های مستقل، میانگین تطابق مولفه‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر از نظر شهروندان ساکن در محلهٔ پامنار، کسبه و افرادی که به آن محله مراجعه می‌کردند، مقایسه شد که نتایج در جدول ٦ آمده است.

جدول شمارهٔ شش-آزمون تی مستقل مقایسهٔ نمرات تطابق شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر از نظر شهروندان (n=۲۰) و مردم (n=۳۸٤)

متغیر	میانگین		اختلاف میانگین	خطای استاندارد	مقدار p
	مسکن سنتی	مسکن معاصر			
شاخص‌های موثر بر ادراک عدالت	۳/۷۰	۳/٤۲	۰/۲۸	۰/۱۰۳	۰/۰۰۹

(ماخذ: نگارندگان)

میانگین وضعیت شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی از نظر شهروندان برابر با ۳/۷۰ و در مسکن معاصر برابر با ۳/٤۲ است که نشان از اختلاف ۰/۲۸ نمره‌ای دو گروه دارد. بررسی وضعیت کلی میانگین بین دو گروه نشان می‌دهد تطابق شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت

[1] T-test

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

از نظر مردم در بناهای سنتی بیشتر از بناهای معاصر است و اختلاف معنی‌داری دارد، که بیانگر این است که مؤلفه‌های کالبدی بناهای مسکونی سنتی، تطابق بیشتری با مفهوم عدالت دارند ($p<۰/۰۵$). در نمودار ٤ تطابق شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر از نظر شهروندان مقایسه شده است.

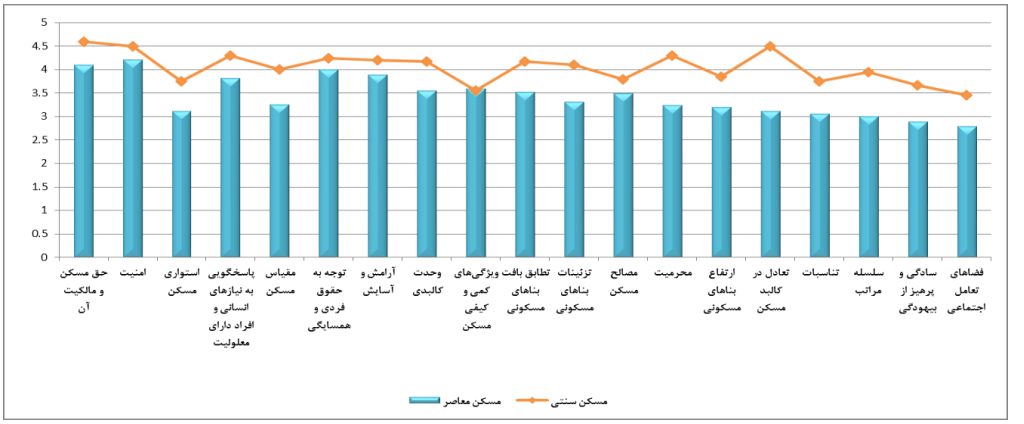

نمودارشمارهٔ چهار- نمودار ستونی مقایسهٔ تطابق شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر از نظر شهروندان (ماخذ: نگارندگان)

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعات و بررسی‌ها در خصوص مفهوم عدالت نشان می‌دهد که عدالت یک مفهوم فلسفی، چندوجهی و گسترده است که یکی از مهم‌ترین مصادیق تجلی آن در جامعه در مقولهٔ مسکن می‌باشد. مسکن و شاخص‌های کالبدی و اجتماعی مرتبط با آن در شکل‌دهی به ارزش‌ها، مفاهیم و احساس افراد از عدالت اجتماعی تأثیر گذار است. در خصوص سؤال اول پژوهش و مصادیق منطبق بر مفهوم عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر واقع در محلهٔ پامنار می‌توان گفت، آنچه که در مسکن مرتبط با عملکرد و کارکرد اجتماعی آن باشد، با مفهوم عدالت مرتبط است و باید در مسکن، مصداق قاعدهٔ «لاضرر و لاضرار» در هنگام ساخت و بهره‌برداری رعایت گردد. به‌گونه‌ای که نیازهای ساکنین در ابعاد مختلف آن تأمین گردد و به حقوق دیگران احترام گذاشته شود، حق دسترسی به مسکن مناسب، مالکیت مسکن، امنیت، محرمیّت، امکان برقراری تعاملات اجتماعی بین افراد، آرامش و آسایش ساکنین فراهم گردد؛ همچنین در مسکن باید با پرهیز از برتری‌جویی و ایجاد حس تفاخر نسبت به دیگران مانند بلندمرتبه‌سازی و ایجاد اشرافیت به سایر بناها خودداری

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

گردد؛ موارد نام‌برده را می‌توان از شاخص‌های اجتماعی منطبق بر مفهوم عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر دانست. همچنین رعایت سلسله مراتب، تناسبات، مقیاس، توجه به دسترسی افراد دارای معلولیت، سادگی و پرهیز از بیهودگی و رعایت اعتدال در بخش‌های مختلف مسکن و تزئینات آن، تطابق بافت بناهای مسکونی در محلات با یکدیگر و استفاده از مصالح مناسب که در گذر زمان استوار بوده و امنیت در ابعاد مختلف آن را برای ساکنین تامین کند را می‌توان از شاخص‌های کالبدی منطبق بر مفهوم عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر دانست.

در خصوص سؤال دوم پژوهش و تمایزها و اشتراکات توجه به مفهوم عدالت در بناهای مسکونی سنتی و معاصر محلهٔ پامنار می‌توان گفت، عدالت در بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار به مصداق رعایت قاعدهٔ«لاضرر و لا ضرار»، در شاخص‌های اجتماعی و کالبدی مرتبط با مسکن سنتی تجلی پیدا کرده است. بدین صورت که، رعایت سلسله مراتب در دسترسی به بناها از معابر عمومی و تعریف فضاهای نیمه خصوصی (کوچه‌های بن بست) و مالکیت ضمنی ساکنین بر آن‌ها؛ علاوه بر ایجاد فضاهایی جهت تعاملات اجتماعی افراد، منجر به ایجاد حس امنیت گشته است و در شکل‌دهی به حریم‌ها و ایجاد محرمیت برای ساکنین مؤثر بوده است؛ همچنین چیدمان قطعات بناهای مسکونی و عناصر کالبدی آن‌ها (نحوهٔ قرار گرفتن ورودی بناها، پنجره‌ها و مانند آن‌ها)، نسبت به یکدیگر در همسایگی با پرهیز از ایجاد اشرافیت به واحدهای همسایگی در راستای حفظ حقوق فردی و همسایگی می‌باشند. همچنین توجه به ویژگی‌های کمی مسکن (تراکم ساختمانی، ضریب اشغال، تعداد واحد مسکونی و مانند آن)، و ویژگی‌های کیفی مسکن (کیفیت ساخت مسکن تعداد اتاق به ازای نفرات و مانند آن)، در گذشته با فرهنگ زیست زندگی (زیست‌بوم) مردم و پاسخ‌گویی به نیازهای آنان هم‌خوانی داشته و کالبد بناهای مسکونی سنتی محلهٔ پامنار منطبق با مفهوم عدالت می‌باشد؛ اما امروزه با گسترش ساخت‌وساز و تغییر کاربری بسیاری از بناهای مسکونی سنتی این محله (مانند تبدیل کردن به انبار برای مغازه‌های بازار تهران) و افزایش تراکم جمعیتی محله، افزایش تراکم ساختمانی، متراژ بسیار کم واحدهای مسکونی و کم‌رنگ شدن حریم‌ها، اشرافیت واحدهای مسکونی به یکدیگر به واسطهٔ بلندمرتبه‌سازی، سایه‌اندازی و کور کردن دید و منظر سایر بناهای مسکونی، تعریض کوچه‌های امن و آرام آن به استناد طرح‌های تفضیلی و عقب-نشینی جهت بازسازی بناها و تبدیل به معابر قابل تردد وسایل نقلیه موتوری با عرض غیر همسان و غیر استاندارد، منجر به آن شده است که کوچه‌های امن و باریک گذشته که خود، زمانی تأمین‌کنندهٔ امنیت برای ساکنین این محله بوده است، اکنون به دلیل ایجاد فضاهای غیر شفاف و دور از نظارت همسایگان، به‌عنوان تهدیدی جهت کاهش امنیت، آرامش و آسایش ساکنین در محلهٔ پامنار شده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

است. تمامی موارد فوق حاکی از عدم رعایت حقوق فردی و اجتماعی شهروندان است که مصداق بی‌عدالتی است.

از دیگر موارد تمایز توجه به مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر محلهٔ پامنار، می‌توان به تجلی مفهوم عدالت به مصداق "وحدت در کثرت" در بناهای مسکونی سنتی اشاره کرد. به این-صورت که هر کدام از بناهای مسکونی سنتی با اینکه ویژگی خاص خود را دارند، اما در کلیت بافت کالبدی همسانی در محله وجود داشته است و تمایز فاحشی در شاخص‌های کالبدی بناهای مسکونی سنتی واقع در محلهٔ پامنار وجود نداشته است. اما توجه به این مفهوم در بین بناهای مسکونی معاصر محلهٔ پامنار، رعایت نشده است. همچنین وحدت کالبدی به مثابهٔ «اعتدال و هماهنگی» بین کلیت و اجزاء معماری نیز در بناهای مسکونی سنتی پامنار وجود دارد. وحدت هر کثرتی را در خود حل ساخته و ناپدید می‌کند و با وجود «وحدت» هیچ‌گونه کثرت و چند گانگی وجود نخواهد داشت. ولکن این وحدت کالبدی نه در بین بناهای مسکونی معاصر به تنهایی و نه در بین بناهای معاصر تازه ساخت و سنتی قدیمی واقع در محلهٔ پامنار وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت توجه به مفهوم عدالت و مصادیق آن در مسکن معاصر، به دلایل متعدد، کم‌رنگ شده و تحلیل رفته است که این امر مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیستی فراوانی برای شهروندان به همراه دارد. در جدول ۷ مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر آمده است.

جدول شمارهٔ هفت- مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در مسکن سنتی و معاصر از نظر شهروندان

مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در **مسکن سنتی** از نظر شهروندان در محلهٔ پامنار:	**مهم‌ترین** شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت در **مسکن معاصر** از نظر شهروندان در محلهٔ پامنار:
۱. حق مسکن و مالکیت آن	۱. امنیت
۲. امنیت	۲. حق مسکن و مالکیت آن
۳. تعادل در بخش‌های مختلف مسکن	۳. توجه به حقوق فردی و همسایگی
البته آنچه که مهم است و باید در نظر گرفت این است که پاسخ پاسخ‌دهندگان به سوالات و نظرات‌شان در خصوص تطابق مسکن سنتی با مفهوم عدالت حاصل شناخت و تصور آن‌ها از مسکن سنتی در زمان حال و مقایسهٔ ذهنی آن با آنچه که در مسکن معاصر تجربه می‌کنند و انتظارات ساکنین بناهای مسکونی سنتی، متناسب با نیازهایشان در زندگی امروزه می‌باشد. بررسی وضعیت کلی میانگین شاخص‌ها بین دو گروه نیز نشان می‌دهد، تطابق شاخص‌های مرتبط با مفهوم عدالت از نظر شهروندان در بناهای سنتی، بیشتر از بناهای معاصر است و اختلاف معنی‌داری دارد، که بیانگر این است که	

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

شاخص‌های کالبدی و اجتماعی مرتبط با مفهوم عدالت در بناهای مسکونی سنتی تطابق بیشتری با مفهوم عدالت دارند.

(ماخذ: نگارندگان)

مقایسهٔ نتایج حاصل از پژوهش و تطابق آن با نتایج سایر پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه نیز، مؤید نتایج حاصل می‌باشد، به‌گونه‌ای که محله، به‌عنوان ساختار اصلی شهر اسلامی، می‌تواند با رعایت عدالت فردی و اجتماعی بین ساکنان محله و رعایت مفاهیم تعادل، هماهنگی و توازن در اجزاء و فضاهای محله و نیز رعایت حقوق قانونی افراد محله از خدمات و تسهیلات عمومی محلی توسط نظام مدیریت محله، زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی را در خود مهیا سازد (رحیمی و نقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۳). همچنین عدالت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول در معماری ایرانی-اسلامی در تمامی ابعاد معماری خانه‌های سنتی تأثیرگذار بوده است (مدنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۱). مسکن و مؤلفه‌های کالبدی آن بر ادراک افراد از عدالت اجتماعی تأثیرگذار است (جلیل پور اقدم و همکاران، ۱۴۰۱: ۵). بیشتر فضاهایی که در مسکن سنتی وجود داشته‌اند و باعث مطلوبیت و آرامش بخشی آن می‌شدند؛ در مسکن امروزی به نوعی قربانی احتیاجات اقتصادی و اجتماعی شده است و ارتباطات مکانی-فضایی ایجاد شده که در ابتدا مبتنی بر نیاز متعالی انسانی و مبانی منبعث از اسلام بوده است و در مسکن سنتی وجود داشته است، در مسکن معاصر تحلیل رفته و به حداقل رسیده است (حسین پور و همکاران، ۱۳۹۷: ٤٤). همچنین وجود تفاوت معنادار در کیفیت مسکن در نقاط مختلف شهری بیانگر بی‌عدالتی فضایی در حوزهٔ مسکن می‌باشد (مدیری و حسینی، ۱۳۹۲: ۵۳). در نهایت می‌توان گفت پرداختن به جنبه‌های مختلف عدالت در مسکن می‌تواند امید به زندگی بیشتر، کاهش جرم و بزهکاری، ارتقای کیفیت محیط‌های مسکونی، کیفیت زندگی، همبستگی اجتماعی، افزایش تعاملات اجتماعی بین افراد، افزایش امنیت در ابعاد مختلف آن و ارتقای سطح رضایت‌مندی شهروندان شود و بستری مناسب جهت سکونت و آرامش شهروندان فراهم کند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

منابع

۱. اخترکاوان، مهدی؛ دیواندری، جواد و شادی اشراقی (۱۳۹۵) «خانهٔ ایرانی از آغاز و تحول آن در بستر زمان»، **چهارمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران و معماری و مدیریت شهری**، تهران: ایران.

۲. اسلامی، لیدا؛ ماجدی، حمید و ایرج اعتصام (۱۳۹۸) «واکاوی منطق پنهان طراحی همه-شمول در معماری بومی ایران با رویکرد پایداری مطالعهٔ موردی: منطقهٔ۱۲ تهران (حصار صفوی)»، **باغ نظر**، شمارهٔ ۱۶ : ۷۳-۸۷.

۳. اعظمی، محمد؛ اسدی، ایرج و محمدرضا حق جو (۱۳۹۸) «مفهوم‌سازی عدالت و ارزیابی عدالت محتوایی در طرح‌های توسعهٔ شهری: ایضاح معیارها و پیشنهاد راهبردها»، **فصل‌نامهٔ علمی-پژوهشی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی**، دورهٔ ۷، شمارهٔ ٤: ۲۱۵-۲٤۵.

٤. اقبالی نیا، علی و محمد شوهانی (۱۳۹٦) «بررسی مفهوم‌شناسی ارتقاء کیفیت زندگی خانوادگی در حوزهٔ مسکن، نمونهٔ موردی: شهر ایلام»، **معماری و شهرسازی آرمان شهر**، شمارهٔ۲۱: ۱-۹.

۵. بمانیان، محمدرضا؛ ارجمندی، و فرزانه علی محمدی (۱۳۹۲) «تأثیر اصول فقهی مرتبط با حقوق شهروندی بر پایهٔ عدل در طراحی مسکن (نمونهٔ موردی: سه مورد از خانه های ایرانی-اسلامی)»، **فصل‌نامهٔ علمی‌پژوهشی شهر ایرانی اسلامی**، شمارهٔ ۱۲: ۸۹-۱۰۰.

٦. تقوایی، علی اکبر؛ بمانیان، محمدرضا؛ پورجعفر، محمدرضا و مهدی بهرام‌پور (۱۳۹٤) «میزان‌سنجی عدالت فضایی در چارچوب نظریهٔ شهر عدالت‌محور؛ مورد پژوهی مناطق ۲۲گانه شهرداری تهران»، **مدیریت شهری**، دورهٔ ۱٤، شمارهٔ۳۸: ۳۹۱-٤۲۳.

۷. جلیل پور اقدم، سینا؛ میرزاکوچک خوشنویس، احمد؛ خاک‌زند، مهدی و مصطفی مسعودی نژاد (۱٤۰۱) «تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر ادراک عدالت در معماری بناهای مسکونی معاصر ایران نمونهٔ موردی: بناهای مسکونی تهران»، **فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی مطالعات محیطی هفت حصار**، سال ۱۱، شمارهٔ ٤۲: ۵-۲٤.

۸. جناب، مرجان؛ کامران کسمائی، حدیثه و احمد میرزا کوچک خوش‌نویس (۱٤۰۱) «تبیین شاخص‌های سنجش عدالت اجتماعی در معماری مسکن»، **هویت شهر**، سال شانزدهم، شمارهٔ ۵۰: ۹۷-۱۱۰.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

۹. حاتمی نژاد، حسین و عمران راستی (۱۳۸۵) «عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسهٔ نظریات جان رالز و دیوید هاروی»، **فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی جغرافیایی سرزمین**، سال ۳، شمارهٔ ۹: ۳۸-۵۰.

۱۰. حاتمی‌نژاد، حسین؛ فرهودی، رحمت الله و مرتضی محمد پور جابری (۱۳۸۷) «تحلیل نابرابری اجتماعی در برخورداری از کاربری‌های خدمات شهری، نمونهٔ موردی اسفراین»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، شمارهٔ ٦٥: ۷۱-۸۵.

۱۱. حائری مازندرانی، محمد رضا (۱۳۹۵) **خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران (بررسی خانه‌های تاریخی و معاصر به‌منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه)**، چاپ دوم، تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

۱۲. حسین پور، رضا؛ بلالی اسکویی، آزیتا و محمدعلی کی نژاد (۱۳۹۷) «ارزیابی مفاهیم طراحی مسکن، با هدف بازآفرینی در مسکن معاصر»، **فصل‌نامهٔ پژوهش‌های معماری اسلامی**، دورهٔ ٦ ، شمارهٔ ۲۰: ۲۱-٤۸.

۱۳. حسینی، باقر و سعید نوروزیان ملکی (۱۳۹۰) «ارزیابی و مقایسهٔ طراحی فراگیر دسترسی در محیط‌های مسکونی شهرهای گذشته و معاصر ایران»، **صفه**، دورهٔ ۲۱، شمارهٔ ۵۳: ۸۷-۹۸.

۱٤. خسروی، محمدباقر؛ بمانیان، محمدرضا و محمد کاظم سیفیان (۱۳۹۲) نقش هویت ساز قاعده لاضرر در شکل‌گیری الگوی معماری اسلامی، **مجله علمی پژوهشی نقش جهان**، دوره ۳، شماره ۱: ۱۹-۳۰.

۱۵. دورانت، ویل (۱۳۷۸) **تاریخ تمدن، مشرق زمین گهواره تمدن**، جلد ۱، ترجمهٔ جمعی از مترجمین، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.

۱٦. رحیمی، لیلا و محمد نقی‌زاده (۱۳۹۵) «تجلی عدالت اجتماعی در ساختار شهر اسلامی (محله)» **هویت شهر**، شمارهٔ ۲٦: ۱۳-۲۰.

۱۷. روستایی، شهریور؛ حکیمی، هادی و شیوا علیزاده (۱۳۹۹) «سنجش عدالت فضایی شاخ های کمی و کیفی مسکن در حوزه‌های شهری (مطالعهٔ موردی: شهر ارومیه)»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، دورهٔ ۵۲، شماره ۳: ۱۰۲۹-۱۰۰۹.

۱۸. ستاوند، محمد هادی؛ حاجی‌زاده، فاضل و حسین یغفوری (۱۳۹۸) «واکاوی فضایی مناطق شهری شیراز از منظر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات عمومی»، **تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی**، سال ۱۹، شماره ۵۲ : ۱۷۱-۱۹۲.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

۱۹. سعیدی فر، ساناز؛ حنایی، تکتم و سوسن شیروانی مقدم (۱۳۹۹) «تبیین مؤلفه‌های کالبدی و عملکردی مؤثر بر عدالت فضایی در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای (مطالعهٔ موردی کلان‌شهر مشهد)»، **معماری شهر پایدار**، سال ٦، شمارهٔ ۱: ٦٧-۸۰.

۲۰. شریفی، عبدالنبی(۱۳۸۵) «**عدالت اجتماعی و شهر، تحلیلی بر نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز**»، پایان‌نامهٔ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکدهٔ جغرافیا، دانشگاه تهران.

۲۱. ضرغامی، اسماعیل و اشرف سادات (۱۳۹۵) «بررسی تطبیقی شاخص‌های مسکن ایرانی-اسلامی با مسکن آپارتمانی امروز»، **فصل‌نامهٔ علمی‌پژوهشی نقش جهان**، شمارهٔ ۲: ٦۰-۷۲.

۲۲. عباسی، بشری؛ بمانیان، محمد رضا و علیرضا نیکبخت نصر آبادی (۱۳۹۷) «ارتباط انسان با جامعه در ساختار زندگی معمولی مردم، ضرورتی در سلامت روان جامعه‌محور، نمونهٔ مورد مطالعه: بازار بزرگ تهران»، **پرستاری ایران**، دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ۳: ۸۳-۹۱.

۲۳. عبدالله زاده، سید مهسا، ارژمند، محمود و احمد امین پور (۱۳۹٦) «ابعاد پایداری اجتماعی در کالبد محله‌های سنتی ایران، نمونهٔ موردی: محلهٔ سنگ سیاه شیراز»، **معماری و شهرسازی آرمان شهر**، شمارهٔ ۱۹: ۳۵-٥٤.

۲٤. عبدی دانشپور، زهره و امیر شفیعی (۱۳۹۷) «تحلیل نابرابری فضایی در سیستم مسکونی شهر تهران، بررسی دگرگونی قیمت مسکن در دورهٔ زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۵»، **فصل‌نامهٔ جغرافیا و توسعه**، شمارهٔ ٥۲: ۲٦۷-۲۹۲.

۲٥. عزیزی، محمد مهدی و محمد مرادی (۱٤۰۰) «عدالت فضایی در مسکن شهری، مورد مطالعاتی: شهر اسلامشهر»، **معماری و شهرسازی آرمان شهر**، شمارهٔ ۳٦: ۲٤۰-۲٥٥.

۲٦. علوی، سید علی؛ بناری، سجاد و محمد صمدی (۱۳۹۷) «تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شهر اهواز و پیش‌بینی افق مسکن تا ۱٤۰۰»، **جغرافیا و روابط انسانی**، شمارهٔ ۲: ۸٥۰-۸٦۷.

۲۷. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۸) **درآمدی بر نظام سیاسی عدالت در اسلام**، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۲۸. فرخ زاد، محمد و ایمان مدیری دوم (۱۳۹۳) «کنکاشی در اصول طراحی فضاهای باز با توجه به پیشینهٔ معماری و شهرسازی ایران»، **فصل‌نامهٔ مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، شمارهٔ ۱٦: ۸۱-۹٥.

۲۹. قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۰) **نگاه راهبردی به مسکن و شهرسازی در کشور**، چاپ اول، تهران: نگارستان حامد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

۳۰. **قانون مدنی** (۱۳۹۳) تدوین جهانگیر منصور، تهران: دیدار.

۳۱. **قرآن کریم**.

۳۲. قربان‌نیا، ناصر (۱۳۸۳) «عدالت و حقوق»، **فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی قبسات**، سال نهم، شمارهٔ ۳۲: ۵۱-۷۹.

۳۳. قره بگلو، مینو؛ توکلی، بهروز، بلالی اسکویی، آزیتا و رعنا سینمار اصل (۱۳۹۷) «مفهوم مشارکت در محیط از منظر اندیشهٔ اسلامی و اندیشهٔ غربی»، **فصل‌نامهٔ پژوهش‌های معماری اسلامی**، شمارهٔ ۱۸: ٤۳-٦۸.

۳٤. کرمی، رضا و احسان حسین پور (۱۳۹۹) «خانه واسطه‌ای برای رسیدن به آرامش»، **مطالعات پژوهشی در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی**، شمارهٔ ٦۰: ۱۸۲-۲۰۷.

۳۵. کینگ، پیتر (۱٤۰۱) **بنیان‌ها در مطالعات مسکن**، ترجمهٔ ابوالفضل مشکینی، احمد احمدپور و مسلم ضرغام فرد، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.

۳٦. کیوانی، مژده و حدیثه کامران کسمائی (۱٤۰۰ «بررسی تأثیرات فضای سبز در طراحی داخلی فضاهای مسکونی بر سلامت روان و حس تعلق کاربران»، **فصل‌نامهٔ معماری سبز**، سال ۷، شمارهٔ ۱: ۷٤-٦۵.

۳۷. لطفی، صدیقه؛ منوچهری میاندوآب، ایوب و حسن آهار (۱۳۹۲) «شهر و عدالت اجتماعی: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مورد مطالعه، محلات مراغه)»، **فصل‌نامهٔ تحقیقات جغرافیایی**، شمارهٔ ۲: ٦۹-۹۲.

۳۸. لطیفی، غلامرضا، شیخی، محمد و شهاب الدین عیسی لو (۱۳۹۵) «بررسی و تحلیل شاخص‌های مسکن شهری به منظور تعیین اولویت برنامه‌ریزی مسکن (مطالعهٔ موردی: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)»، **معماری و شهرسازی پایدار**، سال ٤، شمارهٔ ۱: ۵۷- ۷٤.

۳۹. لک، نیلوفر و سیامک بهمنی (۱۳۹۹) «واکاوی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر احساس امنیت در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی؛ نمونهٔ موردی: مسکن مهر پاسارگاد»، **شباک**، سال ششم، شمارهٔ ۵: ٤۳-۵۲.

٤۰. مدنی، رامین؛ امین‌پور، احمد و حامد حیاتی (۱۳۹۷) «تحقق مفهوم قرآنی و روایی عدل در طراحی مسکن ایرانی»، **پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، شمارهٔ ۳٤: ۲۰۱-۲۱٦.

٤۱. مدیری، مهدی و سید احمد حسینی (۱۳۹۲) «ارزیابی کمی و کیفی مسکن شهری رویکردی جهت دست‌یابی به عدالت فضایی، مطالعهٔ موردی: مناطق شهری استان خراسان رضوی، **فصل‌نامهٔ علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی**، شمارهٔ ۳: ۵۳-٦۹.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

۴۲. مرصوصی، نفیسه؛ علی اکبری، اسماعیل؛ سفاهن، افشین و وحید بوستان احمدی (۱۴۰۰) «تحلیل فضایی شاخص‌های کالبدی مسکن با تأکید بر شهر عادل (مطالعهٔ موردی: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران)، **فصل‌نامهٔ پژوهش و برنامه‌ریزی شهری**، سال ۱۲، شمارهٔ ۴۵: ۲۱-۳۶.

۴۳. مسائلی، صدیقه (۱۳۸۸) «نقشه پنهان به‌مثابهٔ دستاورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران»، **هنرهای زیبا**، شمارهٔ ۳۷: ۲۷-۳۸.

۴۴. معظمی، نسیم و زهرا عبدی (۱۳۹۶) «بازنگری محرمیت نهفته در محلات سنتی با هدف ارتقاء شهرسازی معاصر (نمونهٔ موردی محلهٔ پامنار تهران)»، **فصل‌نامهٔ مدیریت شهری**، شمارهٔ ۴۶: ۴۰۹-۴۲۴.

۴۵. مهندسین مشاور نگین شهر(۱۳۸۴) **طرح ساماندهی محله عودلاجان**، چاپ اول، تهران: شهرداری منطقه ۱۲.

۴۶. نجار نژاد مشهدی، مرجانه؛ افضلیان، خسرو؛ شیبانی، مهدی و مسلم سید الحسینی (۱۳۹۹) «تبیین شاخص‌های ماندگار مسکن بومی ایران با استفاده از نظریهٔ داده بنیاد»، **فصل‌نامهٔ مطالعات شهر ایرانی اسلامی**، سال ۱۱، شمارهٔ ۴۲: ۵-۱۸.

۴۷. نصر، طاهره (۱۳۹۴) «جایگاه پارادایم «معماری مسکن» در سیمای امروز شهر ایرانی-اسلامی»، **فصل‌نامهٔ مطالعات شهر ایرانی-اسلامی**، شمارهٔ ۲۲: ۶۷-۷۸.

۴۸. نقی زاده، محمد (۱۳۸۵) **معماری و شهرسازی اسلامی (مبانی نظری)**، اصفهان: راهیان.

۴۹. نوایی لواسانی، محمود؛ صدیق سروستانی، رحمت اله و محمدجواد زاهدی مازندرانی (۱۳۹۲) «احساس عدالت و عوامل اجتماعی مرتبط با آن»، **فصل‌نامهٔ علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی**، شمارهٔ ۴۹: ۱۵۹-۱۸۶.

۵۰. هاروی، دیوید (۱۳۹۵) **عدالت اجتماعی و شهر**، ترجمهٔ محمدرضا حائری، تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری.

۵۱. هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۰) «بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، **جامعه شناسی کاربردی**، سال بیست و دوم، شمارهٔ پیاپی (۴۳)، شمارهٔ ۳: ۴۱-۶۲.

52. Bailey, M., Crew, E & Reeve, M (2020) **No Access to Justice: Breaking the Cycle of Homelessness and Jail**. New York: Vera Institute of Justice.

53. Gooding, T (2016) «Low-income housing provision in Mauritius: Improving social justice & place quality», **Habitat International**, 53, pp.502-516.

54. http://shabestan.ir/

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]

55. Human Rights Council, **United Nations. Forty-third session (2019)** Guidelines for the Implementation of the Right to Adequate Housing,A/HRC/43/43.https://www.ohchr.org/EN/Issues/Housing/Pages /GuidelinesImplementation.aspx

56. Yi Jian, I et al (2020) «Spatial justice in public open space planning: Accessibility and inclusivity», **Habitat International**, volume 97, pp1-10. doi.org/10.1016/j.habitatint. 2020.102122.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-25]